

دوباره یک ملت می‌شویم

تقدیم به ملت ایران

برای یاری به بازماندگان جنبش دی‌ماه و همبستگی ملی



پیمان بخشایش

شعر همبستگی و یاری به بازماندگان دی‌ماه

۱۵ اکتبر ۲۰۲۶

دوباره به هم دست یاری دهیم
به این خاک، امید بهاری دهیم
چهل و هفت سال است با مکر و فن
که «امت» نشاندند جای وطن
هزاران بهار است ایران به جاست
که فرهنگ او مایه جان ماست
ز هر کیش و هر قوم، از هر زبان
یکی ملتیم، اهل یک آشیان
نگار رضا پهلوی ایستیم
که تسلیم این شام غم نیستیم
نه دین بر سر رأی مردم امیر
نه اندیشه در چنگ فرمان اسیر
درفش کویانی به دوش آوریم
به شیر و به خورشید، خروش آوریم
ز بمب دو کشور فرو ریخت کاخ
به خاک اندر افتاد ضحاک گستاخ
پسر در پس پرده مانده به جا
ولی درد مردم عیان است به ما
ز دی ماه خونین به جا مانده‌اند
هزاران گه با درد، تنها مانده‌اند
یکی داغ فرزند دارد به جان
یکی مانده بی‌خانه، بی‌آشیان
یکی نان‌آورش به خاک اندر است
یکی چشم به راه یک یاور است
نه با مرثیه، زخم درمان شود
نه با حرف، این سفره پر نان شود
بیا دست بی‌یاوران را بگیر
نماند کسی در غم نان، اسیر
اگر دور گشتیم از آشیان
بمانیم همراه هم‌میهنان

ز اروپا و آمریکا، ای یارِ من
به یاریِ ایرانِ بیا، هم‌وطن
اگر پادشاهی خواهی، نکوست
ولی وقتِ یاری، عملِ آبروست
به یک پوند یا یک دلار، آغاز کن
گره از دلِ خسته‌ای باز کن
مگو قطره‌ام، قطره را چیست کار؟
ز پیوندِ قطره‌ست هر جویبار
نه از رأیِ او پرس و جویی کنیم
نه بر زخمِ او، زخمِ نویی کنیم
ز انترناسیونالِ آن روزگار
به ما «انتر» و روس را افتخار
به حزب‌الله و حماس، زر می‌رسید
به ایران، غم و زخم و شر می‌رسید
کنون نوبتِ ماست ایران شویم
برای غمِ خانه درمان شویم
به دستِ هم ایران بنا می‌کنیم
گره‌های این رنج و می‌کنیم
نه «امت» به فرمانِ تزویر و کین
که ملت، به مهرِ همین سرزمین
بیا تا وطن را گلستان کنیم
زمستانِ دل را به پایان کنیم
دوباره شویم آن که بودیم: «ما»
یکی ملتِ زنده، از نو به پا
به یاری گشاییم این بسته‌راه
یک ملت، یک کشور، یک پرچم، یک شاه

یادداشت منابع

«ضحاک» استعارهٔ سیاسی است و «دو کشور» به آمریکا و اسرائیل اشاره دارد؛ مأخذ خبر، گزارش رویترز در ۲۸ فوریهٔ ۲۰۲۶ است. «در پس پرده» به ظاهر نشدن جانشین او در انظار عمومی، تا تاریخ گزارش ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶، اشاره دارد. رویترز ۲۸ فوریهٔ ۲۰۲۶ | رویترز ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶